

نویسنده - کلارنس هال (۱)

ترجمه واقتباس بوسیله: عباس موسوی

روانشناسی

در خدمت دین

«در هر هفته صدها نفر انسان سرگشته بمرکزیکه در آن روانشناسی بخدمت دین گمارده شده است در نیویورک مراجع و از آشفتگی و سرگشتگی روانی رهائی یافته و معتقد و امیدوار به صحنه زندگی برمی گردند.»

در یکی از روزهای سال گذشته مردی بنام راجر مارتین (۲) باحالی پریشان وارد دفتر مؤسسه آمریکائی «دین و روانشناسی» گردید و بمتصدی مربوطه اظهار داشت که زندگی اش بکلی آشفتنه و درهم گردیده است، کسب و کارش بعلت اهمال و ندانم کاری بکلی از رونق افتاده، همسرش وی را تهدید به طلاق نموده و دوستانش از دیدار او احتراز می کنند. از شدت نومیدی در آن اواخر به الکل و مواد مخدره پناه برده و دوبار هم اقدام بخودکشی کرده است که همسایه ها بموقع مطلع شده و جلو گیری کرده اند.

بالحقی که نومیدی از آن میباید به گفته هایش افزود: «مؤسسه شما آخرین پناه گاه و ملجاء من است، آیا در اینجا کسی هست که بتواند کمکی بمن بکند؟»

در مؤسسه «دین و روانشناسی» متخصصین رفع مشکلات انسانی قادر به کمک به مارتین و امثال او هستند و هرچه از دستشان برآید برای این قبیل اشخاص انجام می دهند، شخص

مورد بحث راپس از مصاحبه کوتاهی نزد يك نفر پزشك امراض روانی فرستادند و وی دستور داد که علاوه بر بعضی آزمایشات روان شناسی يك معاینه کامل پزشکی هم از او بعمل آید و سپس مارتین رابه یکی از بیست و شش نفر مشاورین مخصوص مؤسسه سپردند و او چندین جلسه طولانی با بیمار مصاحبه نمود و در خاتمه این جلسات مارتین شخصاً قانع شد که کلیه مشکلاتش از بی ایمانی و بی دینی سرچشمه می گردد! در حالیکه در سنین طفولیت و اوائل جوانی وی را اولیایش کاملاً با اصول مذهبی آشنا ساخته بودند. مارتین اقرار کرد که در کسب و کارش نادرستی بخرج داده و در تنظیم صورت مالیات بر درآمدش هم تقلب نموده و علاوه بر همسرش رفیق هم داشته است در حالیکه شخصیت باطنی و وجدانش از این گونه امور ناراحت بوده و رنج می کشیده است. وقتی اعترافات مارتین بآن مراحل رسید و آزادانه حاضر شد که گذشته پراز نادرستی و انحراف خود را جبران کند در واقع میشد گفت که زندگی تازه را شروع کرده است: امروزه راجر مارتین دوباره با همسر و دوستانش روابط بسیار صمیمانه ای برقرار نموده کسب و کارش رونق یافته و از همه چیز مهمتر دارای يك حس خود شناسی عمیقی گردیده که برای پیشرفت آینده اش عامل مؤثر و تقویت کننده روانی بشمار میرود.

مؤسسه که با معالجات روانی و راهنماییهای دینی موجب نجات راجر مارتین گردید قدیمی ترین و بزرگترین نوع خود در آمریکا بشمار میرود و آنجا در حقیقت يك مطب روان پزشکی است که منحصر به پیروان هیچیک از فرق مذهبی مختلف نمی باشد و درش بروی همه کس باز است در واقع مؤسسه نمونه است که نشان میدهد چگونه دین و روان پزشکی میتوانند دست بدست یکدیگر داده و خدماتی را بنوع یش انجام دهند و نتایجی کسب کنند که هر يك به تنهایی قادر بانجام آن نیستند.

در واقع مکتب دین به علماء پزشکی ثابت کرده است که شخصیت انسان عاملی را به همراه دارد که فقط با دانش و تجسسات و قرائن علمی نمیتوان عامل را توصیف کرد در حالیکه همین عامل مجهول بی نهایت در رفتار آدمی موثر است و از اثبات این مسئله چنین نتیجه می گیرند که ایمان و اعتقاد دینی است که میتواند مردمان را در مواقع بحرانی نیرو بخشیده و مفهوم و هدف خاصی بزندگی آنان بدهد و لذا تنها وسیله تجدید حیات معنوی در انسانهایی که آوارگان وادی تردید و انحراف هستند بشمار می آید.

از طرف دیگر مکتب روان پزشکی هم با آشنا ساختن علمای دین با طبیعت و طرز کار شعور باطن خدمت بزرگی بآنان انجام داده و در حقیقت ابزار لازم را جهت نفوذ با عمای روح و شناختن علل اصلی آشفتگی روانی انسانها برای علمای دین تهیه دیده است و نتیجتاً موجب گردیده که دین نقش اساسی و قدیمی خود را که معالجه روح پیروانش بوده بعهده گرفته و آنرا تفسیر بر نامه های خود قرار بدهد.

اریخچه تشکیل مؤسسه پیش گفته چنین آغاز می گردد که در سال ۱۹۳۷ میلادی که بچن را

اقتصادی شدید سرتاسر آمریکا فرا گرفته بود یکی از کشیشان شهر نیویورک بنام دکتر نورمان پیل (۱) با ملاحظه تمداد زیادی از مردمان شکست خورده و نومید که برای کمک فکری باو مراجعه می کردند ، دریافت که به تنهایی از عهده راهنمایی همه آنان و حل مشکلاتشان بر نمی آید در آن موقع بحرانهای اقتصادی و بی نظمیهای اجتماعی در آمریکا باوج شدت خود رسیده و دکتر پیل پی برد که با اینکه در بعضی موارد اختلافات زناشویی و مسائل جزئی راهنماییهای او مؤثر است مع هذا بعضی از مراجعین مشکلاتی دارند که با اعماق روح آنها ارتباط دارد در چنین مواردی وجود یک روان پزشک قطعاً ضرورت خواهد داشت اما نه هر روان پزشکی بلکه کسیکه علاوه بر دانش حرفه‌ای اش از عامل دین در پرورش معنوی و زندگی آدمی درک کافی داشته باشد .

اتفاقاً خاصی را که دکتر پیل در نظر گرفته بود در شخصیت استادی بنام دکتر سمایلی بلانتون (۲) که در آن موقع بتدریس روان پزشکی عملی اشتغال داشت جمع بود زیرا استاد علاوه بر اعتقاد محکم مذهبی عقیده داشت که علمای دین و روان پزشکان که هر دو داطبای روح بشری ، بشمار میروند بایستی بایکدیگر همکاری نزدیکی داشته باشند .

توسعه مؤسسه - محل این مؤسسه مشترک بین سران پزشکان و علمای دین را در طبقه تحتانی کلیسائی قرار دادند و وقتی این خبر بگوش مردم رسید دسته دسته کسانی که دچار آشفتگیها و اضطرابات درونی خود بودند به این مطب روان پزشکی بی نظیر رو آوردند ، تدریجاً لازم شد که بر تعداد روان پزشکان و سایر مشاورین مؤسسه افزوده گردد و بالاخره در سال ۱۹۵۱ میلادی وقتی کار بجائی رسید که بعلت کثرت عده مراجعین دیگر بودجه و فضای کاخ در کلیسا برای گردانیدن چرخهای مؤسسه کفایت نکرد ناچار محل دیگری را که نظر گرفته و نام فعلی مؤسسه را « دین و روانشناسی (۳) » روی آن گذاردند و امروزه تعدادی متخصص بالغ بر هشتاد نفر : کشیش ، روان پزشک ، روانشناس ، روان پزشکان داوطلب و غیره در آن مؤسسه بکار مشغولند و همه هفته حداقل به چند صد نفر مراجعین خدمت می کنند .

محیط این کلینیک روانی غیر رسمی و با اصطلاح خودمانی و رفتار کارمندان با مراجعین کاملاً دوستانه است - مردمی که با آنجا مراجعه می کنند بنام مشتریان می نامند و نه بنام بیماران !

خدمتی که انجام میشود معالجه روانی است بدون اینکه ویزیت سرسام آور از بیماران مطالبه شود و یا آنانرا با طرح سؤالات بفرنج علمی و اصطلاحات نا مانوس روان پزشکی گیج و دل سرد نمایند .

۱ - DR. Nurman Vincent Peale

۲ - DR. Smiley Blanton

۳ - American Foundation of Religion and Psychiatry .